

شناخت‌نامه مازندران / ۷
فرهنگ و ادب / ۳

امیر پازواری

احمد علی عنایتی

رسانش نوین - ۱۳۹۱

سرشناسه	: عنایتی، احمدعلی، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پندآور	: امیر پازواری / احمدعلی عنایتی؛ سرپرست مجموعه ریس العابدین درگاهی.
مشخصات نشر	: تهران: رسانش نوی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۲۸ ص، ۱۹×۲۵/۹ سرج.
فهرست	: شناسنامه مازندران: ۷. فرهنگ و ادب: ۳.
شابک	: 978-600-6826-07-3 ؛ دوره: ۴-978-600-6826-00-4
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
وابدائیت	: این اثر با حمایت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی استان مازندران منتشر شده است.
نابذائیت	: کتابخانه.
موضوع	: امیرپازواری، قرب ۹ ق. -- نقد و تفسیر
موضوع	: شناسنامه ایرانی - مازندران -- قرن ۹ ق -- سرگذشتنامه
موضوع	: شهر مازندران -- قرن ۹ ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	: مازندران
شناسنامه افزوده	: درگاهی، ریس العابدین، ۱۳۳۸ -
شناسنامه افزوده	: سازمان تبلیغات اسلامی استان مازندران. حوزه هنری
شناسنامه افزوده	: شناسنامه مازندران: ۷.
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ۷.ع ۱۳۳۲/الف / DSRT-057
رده بندی دهکده	: ۹۵۵۵۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۹۲۶۱۱۲



تهران - بهار شمالی - کوچه شکریا - نیش شیرازی - پلاک ۷ - واحد ۲
تلفن: ۰۹۱۲۱۳۰۹۱۳۱ - تلفکس: ۰۷۷۵۲۰۵۳۶ - rasanesh.pub@gmail.com

امیر پازواری احمدعلی عنایتی

سرپرست مجموعه: دکتر ریس العابدین درگاهی
ویراستاران: خدیجه نامدار جویباری، هاجر امامی
طرح جلد: زهره ایزدی راد
صفحه آرا: ونوشه جویباری
لیتوگرافی: فیلم گراف
چاپخانه: پیمان نواندیش
صحافی: ولیعصر
چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱
شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه
قیمت: ۲۰۰۰ تومان
نماد روی جلد: خورشید از نقش مایه های کهن بافت های
سنتی مازندران (گلپچ)



چاپ اول این کتاب با حمایت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی استان مازندران منتشر شده است.

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار
۱۱	مقدمه
۱۱	زبان و سروده‌های محلی مازندران
۱۲	سروده‌های محلی مازندران
۱۳	پیوند سروده‌های امیر با مردم
۱۵	سروده‌های امیر
۱۵	کنز الاسرار
۱۶	دیوان امیر
۱۷	امیری
۱۸	وزن، قالب و بحر
۲۰	سبک اشعار امیر
۲۱	درون‌مایه سروده‌های امیر
۲۲	تأثیرپذیری امیر از شاعران پیشین
۲۳	تأثیر امیر بر شاعران
۲۵	امیر
۲۶	گوهر
۲۶	امیر و گوهر
۲۷	زندگی و شعر امیر
۳۰	دو دیدگاه دربارهٔ امیر
۳۴	زندگی امیر در آینه شعر او
۴۵	کتاب‌نامه

پیش‌گفتار

مازندران سرزمین همیشه بهاران با داشتن قله‌های سر به فلک کشیده و دشت‌های سرسبز ساحل دریای نیلگون خزر، فرهنگ و تمدنی غنی و دیرینه را در خود نهفته دارد. خردورزان و پژوهشگران بی‌تردید نقش‌آفرینی نقش‌آفرینان مازندرانی را در بنای تثبیت و گسترش هویت فکری و فرهنگی تمدن ایرانی-اسلامی نمی‌توانند نادیده بگیرند. مطالعه این نقش‌ها و نقش‌آفرینان برای بازشناسی، تقویت و بقای هویت اسلامی-ایرانی امروزیان می‌تواند راه‌گشا باشد. مجموعه «شناخت‌نامه مازندران» به این مطالعه و بازشناسی روی آورده است که ویژگی‌های شاخص آن چنین است:

موضوع: تاریخ و تمدن، فرهنگ و ادب، هنر و معماری، مذهب و ...

هدف: ارتقای سطح آگاهی‌ها، تقویت هویت دینی، فرهنگی و اجتماعی، اعتلای سطح اعتماد به نفس عمومی (مردم مازندران)؛ فراهم کردن زمینه‌های پژوهشی برای رشد و شکوفایی پژوهشگران جوان، به‌ویژه پژوهشگران مازندرانی.

مخاطبان: همه مردم به‌ویژه نسل جوان تحصیل‌کرده.

۸ • شناخت‌نامه مازندران

مؤلفان: استادان صاحب‌نام دانشگاه‌ها، حوزه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی، پژوهشگران علاقه‌مند به مازندران‌شناسی.

کمیت حجم: ارائه مطالب به صورت کتاب در اندازه پالتویی به حجم تقریبی ۴۸ صفحه.

سطح مطالب: بیان متن با رعایت معیارهای علمی و پژوهشی به زبانی ساده و روان؛ نوگرایی هدف غایی نیست، اما بیانی نو و شکلی مطلوب در نظر بوده است.

محتورها: در مرحله اول ۳۷ جلد از مجموعه «شناخت‌نامه مازندران» در این محورها ارائه شده است: زبان، فرهنگ و ادب، تاریخ، بناهای تاریخی-مذهبی، شهرنامه‌ها (شهرهای فراموش‌شده و امروزی) و ناموران. در این مرحله چند موضوع به ظاهر پراکنده انتخاب شده است، تا علاوه بر پرهیز از تخصصی بودن صرف، به سلیقه‌های عموم مخاطبان نیز توجه شود. بی‌تردید در پایان کار (به شرط توفیق الهی)، مجموعه در هر محور به شیوه جداگانه و تخصصی می‌تواند ارائه شود.

بر خود فرض می‌دانم از کسانی که در شکل‌گیری این مجموعه نقش داشته‌اند قدردانی کنم:

استادان و پژوهشگرانی که آثار خود را در اختیار این مجموعه قرار داده‌اند؛ به‌ویژه از استادان بزرگوار که مشاوران و ارزیابان علمی این مجموعه بوده‌اند: دکتر حسن بشیرنژاد، دکتر محمود دیانی، محمدصالح ذاکری، دکتر علی رضانی پاچی، دکتر

رضا ستاری، علی اکبر عنایتی، دکتر علی اصغر کلانتر، دکتر مصطفی مجد، دکتر مصطفی معلمی، دکتر سید رحیم موسوی، دکتر صفر یوسفی؛ حوزه هنری استان مازندران به‌ویژه مدیر محترم حوزه جناب آقای نبی‌الله خدابخشی، مدیر پیشین جناب آقای عزیزالله محمدپور و کارشناس پژوهش؛ همکاران در آماده‌سازی متن‌ها، ویرایش، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی و دیگر همکاران اجرایی آقای شهرام موساپور و خانم‌ها مقدسه کوچک‌زاده، راضیه زلیکانی، مرضیه زلیکانی و... که صادقانه و بی‌وقفه در اجرای امور تلاش کرده‌اند؛ طراح جلد خانم ایزدی‌راد، نشر رسانش نوین و مدیر محترم آن، جناب آقای محسن علی‌زاد قمی و همکار ایشان خانم فاطمه علی‌زاد قمی که در ارتقای کمی و کیفی کار سخت کوشیدند. با سپاس ویژه از مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران حجه‌الاسلام عباسعلی ابراهیمی، پژوهشکده مازندران‌شناسی و مدیر محترم آن جناب آقای دکتر حسین اسلامی که با راهنمایی‌ها و در اختیار نهادن امکانات کتاب‌خانه در به سامان رساندن این مجموعه مؤثر بوده‌اند.

من الله التوفیق و علیه التکلان

سرپرست مجموعه شناخت‌نامه

زین‌العابدین درگاهی - تابستان ۱۳۹۱

مقدمه

شناسایی و نگه‌داری میراث پیشینیان و دست‌آوردهای مادی و معنوی آنان وظیفه همگانی است. این میراث و دست‌آوردها شناسنامه اصالت هر جامعه است که جاودانگی و استحکام بنیان‌های ملی به آن‌ها وابسته است. زبان و فرهنگ، اساس بنیان‌های ملی است. یکی از دست‌آوردهای ارزشمندی که موجب حفظ زبان و فرهنگ جامعه می‌شود، سروده‌های مردمی و محلی است. این سروده‌ها میراث ماندگاری است که مانند آینه‌ای گذشته را نشان می‌دهد و چون چراغی راه آینده را روشن می‌سازد.

زبان و سروده‌های محلی مازندرانی

در ایران و یا کشورهای دیگر در کنار نوشته‌ها و سروده‌هایی که به زبان اصلی و ملی است، شعرها و نوشته‌هایی به زبان و لهجه محلی در نواحی مختلف وجود دارد که مردم هر ناحیه پیوند استواری با سروده‌های بومی خود دارند. مثلاً در ایران سروده‌های مازندرانی، گیلکی، کردی، لری، ترکی، بلوچی سابقه کهنی دارد که بعضی از این سروده‌ها از سروده‌های فارسی و ملی معیار مقدم‌ترند. گاهی این سروده‌ها از اشعار فارسی تأثیر پذیرفته‌اند، اما

بعضی از این سروده‌های محلی ساخت، قالب، مفهوم و محتوای مستقل دارند. شعرهای امیر یازواری در مازندران همان سروده‌های محلی است که در دل و جان مردم جای دارد. البته قبل از سروده‌های امیر، سروده‌های مازندرانی و مردمی در مازندران رواج داشت به طوری که فردوسی در شاهنامه به آن اشاره کرد:

به بربط چو بایست بر ساخت رود

بگر آورد مازندرانی سرود

(فردوسی، ۱۳۷۴: ۲۴۵)

این بیت نشان می‌دهد که در زمان تنظیم شاهنامه و یک پیش‌تر از آن زمان پادشاهی کی‌کاووس شعرهای مازندرانی رواج داشت که آن را با بربط می‌خواندند.

سروده‌های محلی مازندران

بیشتر شعرها، ضرب‌المثل‌ها، داستان‌ها و افسانه‌هایی که مردم با آن‌ها انس دارند، شفاهی است و آدرس مشخصی ندارد. ساخت این دسته از فرهنگ شفاهی به گونه‌ای است که گویا کسی بخشی از آن را گفته، دیگران آن را تکمیل کردند یا دگرگون ساختند. مثلاً مصراع یا بیتی سروده شد، پس از آن دیگران مصراع یا بیتی بر آن افزودند، حروف و واژه‌های آن را کاهش دادند یا اضافه کردند و به ذوق و سلیقه خود آن را تغییر دادند. سراینده بخشی از این سروده‌ها مشخص

امیر پازواری • ۱۳

است؛ حتی در گوشه‌هایی از این شعرها نام سراینده آن خودنمایی می‌کند و یا ضرب‌المثل‌ها و داستان‌ها به نام اشخاص است؛ مانند داستان‌هایی که درباره شاه عباس صفوی است.

در مازندران سروده‌های مردمی و محلی فراوان است. کتولی، لیلی‌جان، طالب‌ا، امیری و... «این ترانه‌ها از نظر ادبی بسیار پربار و غنی هستند و می‌توان آن‌ها را در ردیف آثاری که بسیاری از ویژگی‌های شعرهای حماسی امروزی ایران را دربردارند، طبقه‌بندی کرد» (خودزکو، ۱۳۸۱، ۱۶).

امیر پازواری سراینده بسیاری از سروده‌های مردمی و محلی است که بعضی از آن‌ها مکتوب، ولی بیشتر شفاهی است و سینه به سینه نقل شد تا به ما رسید.

سروده‌های امیر پازواری همان سروده‌های مردمی و محلی است که از دیرباز بر دل و زبان مردم کوه و دشت مازندران جاری است و به امیری شهرت دارد، مردم با آن سروده‌ها خو گرفته‌اند و در مجالس سوگ و عزای آن را زمزمه می‌کنند.

سروده‌های امیر پازواری در مجالس شادی شادی‌آفرین و در مجالس سوگ، درد و سوز دارد و عبرت‌آموز است.

پیوند سروده‌های امیر با مردم

از گذشته‌های دور تاکنون شاعران فراوان در مازندران به مازندرانی شعر سرودند که اندکی از

به مازندرانی ترجمه کند» (شکری، ۱۳۸۹: ۱۳). بنابراین کار دارن بیشتر گردآوری بود و تحقیق و بررسی در کنار او وجود نداشت. محمدکاظم گل‌باباپور جلد اول آن را با مقدمه‌ای از دکتر منوچهر ستوده سال ۱۳۳۷ و جلد دوم را سال ۱۳۴۹ خورشیدی در ایران به چاپ رساند. کنزالاسرار نام دیوان شعر امیر پازواری نبود، شاید برنهارد دارن و میرزا شفیع با استفاده از این بیت، نام کنزالاسرار را بر سروده‌های امیر پازواری نهادند:

من واجب الوجود علم الاسما

کنت کنزای گره ره من بوشامه

(امیر، ۱۳۳۷: ۱۶۰)

من دارنده دانش نام‌های خداوند هستم، گره «کنت کنزا» را من گشودم.

دیوان امیر

سال ۱۳۸۴ شمسی کتابی با عنوان «امیر پازواری» به اهتمام منوچهر ستوده و محمد داودی درزی کلایی به چاپ رسید. اساس کار این کتاب یک نسخه خطی بود. منوچهر ستوده از سال‌ها پیش بر آن بود که به نحوی بررسی‌های دارن و میرزا شفیع را کامل کند تا این که در کتاب‌خانه مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی به نسخه‌ای از سروده‌های امیر پازواری به شماره ۳۲۲۹۱ با نام «دیوان امیر پازواری» دست یافت. این اثر را با همکاری محمد داودی درزی کلایی تصحیح و نشر رسانش آن را منتشر کرد.

پدیدآورندگان این اثر هر نام دیگری را بر مجموعه شعرهای امیر نادرست می‌دانند؛ ولی با اندکی اغماض می‌توان گفت این کتاب هم همان کنزالاسرار است که به صورت دوبیتی‌های جدا به ردیف الفبایی تنظیم شد و برای هر بیت شماره گذاشتند که مجموعاً ۲۵۰۹ بیت است. پس از هر دو بیت ترجمه فارسی آن نوشته شد.

امیری

سروده‌های امیر پازواری که بر زبان آوازخوانان مازندران جاری است به «امیری» شهرت دارد. «امیری در اصطلاح موسیقی آهنگی است که بدان دوبیتی‌های امیر پازواری را می‌خوانند» (دهخدا، لغت‌نامه). امیری باید با آهنگ و موسیقی همراه باشد تا دلنشین‌تر شود. «شعر آوازی پیوندد تنگاتنگ با موسیقی دارد و جداسازی این نوع شعر از موسیقی، برخلاف شعر عروضی فارسی، دشوار و بیهوده است» (عمادی، ۱۳۷۶: ۱۹۳). به کسانی که سروده‌های امیر را می‌خوانند، «امیری‌خوان» (امیری‌خوان) می‌گویند. امیری‌خوانان در مازندران شهرت فراوان دارند. بیشتر چوپانان و گالش‌ها به هنگام چرای گوسفندان و گاوها در مراتع و جنگل‌ها آواز دلنشین امیری سر می‌دهند که با «آله‌وا» (laleva نوعی ساز بادی) یکی از برجسته‌ترین سازهای موسیقی مازندران همراه است دوبیتی‌ها و اشعار امیر پازواری با «امیر گنه»

یا «امیر گته» (امیر می‌گوید) آغاز می‌شود. این سروده‌ها مخصوص مجلس و جای خاصی نیست؛ بلکه در شادی و سرور، در عزا و سوگ از آن استفاده می‌شود. فضایی که امیری در آن اجرا می‌شود، مهم است. این فضا شاید با جشن و شادی و نشاط همراه باشد یا آکنده از اندوه و درد و آه سرد که خواننده باید متناسب با آن بخواند. آواز امیری معمولاً با «کله ونگ» یا «سرونگ» (گلبانگ) همراه است. کله ونگ صداهای مخصوصی است که با فریاد آغاز می‌شود و به صورت دسته جمعی یا انفرادی اجرا می‌شود و لحظات شادی در جشن‌ها و عروسی‌ها به وجود می‌آورد. خواننده در پایان هر بیت یا در انتهای دو بیت نام مبارک حضرت امام علی (ع) را چند بار به آواز بر زبان می‌آورد.

وزن، قالب و بحر

بعضی از پژوهش‌گران برآنند که سروده‌های امیر یازواری، «نوعی رباعی‌اند و در وزن عروضی نه هجایی» (حیدری، ۱۳۷۷: ۱۰۳). برخی وزن آن را هجایی (مانند سروده‌های دوران ساسانیان و اشکانیان) می‌دانند (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷: ۹۳). «محمد تقی بهار معتقد است اگر کسی بخواهد دیوان تمامی از شعر هجایی ایرانی به دست آورد باید به دیوان امیر یازواری مازندرانی... رجوع کند» (گلبن، ۱۳۵۱: ۱۲۵). «برخی از پژوهش‌گران اشعار

امیری را نوعی خاص از اشعار کنار خزری دانسته‌اند که ساختار آن به رغم مشابهت‌هایی که با رباعیات دارد با آن متفاوت بوده و از درون‌مایه و بافتی توأمان هجایی - عروضی برخوردار است» (دانا، ۱۳۸۳: ۷).

می‌توان گفت، چون سروده‌های امیر مکتوب نبود و سینه به سینه انتقال یافت به طور طبیعی جابه‌جایی حروف و واژه‌ها و حذف و اضافه آن‌ها، برابرگزینی واژه‌ها، سیر در زمان و مکان‌های مختلف با توجه به لهجه‌های گوناگون و متنوع در مازندران و ذوق و سلیقه شاعرانه برخی، موجب شد که این سروده‌ها با اوزان رسمی شعر فارسی و حتی قواعد حاکم بر شعر هجایی مطابقت نداشته باشد. مثلاً در این بیت:

ندومبه آب دریا چرا شوره

ندومبه چرا چشم یعقوب که کوره

(امیر، ۱۳۴۹: ۵۷۷)

نمی‌دانم آب دریا چرا شور است. نمی‌دانم چرا چشم یعقوب کور است.

واژه «ندومبه» به صورت «ندومبا»، «ونه بدونم»، «مین چدومبه» و «ونه بدونما» تغییر داده شد و آب دریا به صورت «دریای او»، چشم یعقوب به صورت «یعقوب چش» یا «چش یعقوب» جابه‌جا شد.

سخن دربارهٔ قالب شعر امیر نیز گوناگون است. در ریاض‌العارفین آمده است: «دیوانش همه رباعی و رباعیاتش به لفظ پهلوی است» (هدایت، ۱۳۰۵: ۴۴).

بعضی آن را در قالب دوبیتی می‌دانند، ولی غالب سروده‌های امیر، تابع وزن و شعرهای کنونی است. بعضی دوبیتی، بعضی رباعی و بعضی مثنوی است. ترجیحات هم در سروده‌های او یافت می‌شود و بعضی از سروده‌ها رنگ و بوی غزل دارند. طبیعی است که بحر این سروده‌ها هم تابع وزن و قالب آن است.

سبک اشعار امیر

به نظر سبک اشعار امیر، سبکی جدید و بی‌سابقه در ادبیات فارسی است؛ به طوری که می‌توان آن را «سبک مازندرانی» نامید. اگر شعر برای اظهار احساسات و عواطف و بیان تأثرات قلبی است گفته‌های شاعر روستایی بیشتر روح و معنای شعری دارد. (میرظهیرالدین، ۱۳۶۸: ۶۴)

این شاعر روستایی از طبیعت مازندران الهام گرفت، از حرکت رودخانه‌ها و وزش نسیم صبح‌گاهان و شمیم سبزه‌زاران به وجد آمد و آهنگ امواج متلاطم دریا و سرسبزی دشت‌ها و تنواری درختان جنگل‌ها او را واداشت، برای معشوقه‌اش «گوهر» اشعاری بسراید که حتی حرکت گله‌های چوپانان و سختی کار کشاورزان و روانی چشمه‌سارها و ریزش آبشارها و خنکای نسیم بهاران در آن منعکس است. این اشعار و نحوه آواز او با دیگر شعرهای مازندرانی از قبیل کتولی، لیلی جان، طالبان و... متفاوت است و سبک جداگانه‌ای است که امیر پازواری خالق آن است.

درون مایه سروده‌های امیر

اشعار امیر در ستایش خداوند و مدح نبی اکرم (ص) و امامان (ع)، به ویژه حضرت علی (ع) است. شاه کبیری را مدح می‌کند و برای ممدوح خود بخت و اقبال طلب می‌نماید، اما نسامی از ممدوح نمی‌آورد. گوهر هم چنان ورد زبانش است. از جنگل، کوه، دشت، دریا و از گل و گیاه و سبزه و صحرا سخن می‌گوید، از کار و تلاش و رنج و محنت ایام می‌سراید و پرده از زندگی پرماجرا و عاشقانه خود برمی‌دارد. گاهی از روزگار شکایت دارد و زمانی همه را مربوط به قضا و قدر می‌داند. از دل آزارهای فراوان سخن به میان می‌آورد و از رنج خار تا جور یار در گفت و گو است. زمانی آواز برمی‌دارد و تو را به سویی می‌خواند، پند و اندرز می‌دهد، امید می‌دهد، بیمناک می‌گرداند و... زمانی مانند یک روستایی بی‌سواد، لب به شعر می‌گشاید، گاهی مانند دانشوری صاحب علوم مختلف مسائل علمی را مطرح می‌کند، از ستاره‌شناسی تا شطرنج و موسیقی مطالبی می‌آورد. گاهی گرفتاری‌های شخصی، گاهی مشکلات اجتماعی و مسائل عاشقانه خود را مطرح می‌کند، اما در همه احوال گوهر را فراموش نمی‌کند. بسیاری از اشعار او، ساده و بی‌پیرایه و از تصنع و تکلف به دور است. تشبیه‌های آن ساده و کنایه‌ها و استعاره‌های زودباز و ضرب‌المثل‌های رایج، همه‌فهم و آسان دارد.

تأثیرپذیری امیر از شاعران پیشین

سیر در سروده‌های امیر پازواری، شاعر مازندرانی معلوم می‌کند که این تبری‌سرای بی‌نظیر، دیوان شاعران پیشین را مطالعه کرد و در سرودن اشعارش به آن‌ها نظر داشت. از اصطلاحات، مضامین و مفاهیم شاعران پیش از خود چون ابوشکور بلخی، فردوسی، مسعود سعد سلمان، خیام، سعدی، حافظ، خاقانی و وحشی بافقی و... در سروده‌هایش استفاده کرد، از توصیفات زیبا، تلمیحات به‌جا، تشبیه‌ها و استعاره‌ها و کنایه‌های پرمحتوا و ضرب‌المثل‌ها بهره جست و اشعار ارزشمند و دل‌انگیزی آفرید که ورد زبان مردم مازندران گردید. اکنون به سه نمونه از تأثیرپذیری سروده‌های امیر از شاعران گذشته اشاره می‌شود:

تأثیر از فردوسی

امیر:

هرگز تله دار میوه نیاره شیره
خو ونه خجیر بو هر چن یار ححیره

(امیر، ۱۳۴۹: ۱۷۷)

هرگز درخت تلخ میوه شیرین به بار نمی‌آورد.
سرشت باید خوب باشد هر چند یار خوب و زیباست.
فردوسی:

درختی که تلخ است وی را سرشت
گرش بر نشانی به باغ بهشت
سرانجام گوهر به کار آورد
همان میوه تلخ بار آورد

(فردوسی، ۱۳۷۴: ۱۰۴)